یادداشت

بنیادگرایی و ترور، دور اما نزدیک

شهریار احمدبیگی
فعال اجتماعی

دوشنبه پنجم شهریور ۱۴۰۳ خبر اول بسیاری از رسانه‌ها به حمله تروریستی جدایی‌طلبان در ایالت بلوچستان پاکستان اختصاص یافت؛ حمله‌ای که بیش از ۴۰ نفر را به کام مرگ فرستاد. ترور به عنوان ابزار و محصول بنیادگرایی امروزه دامن جهان را گرفته است. به‌راستی که بنیادگرایی موجودیت خود را با ترور فریاد می‌زند و به اثبات می‌رساند. چند سال قبل‌تر از امروز، در سال ۱۳۹۹، محمد راهد دانشجوی سال چهارم رشته پالیسی و اداره عامه دانشگاه کابل و تعدادی دیگر از دانشجویان در حادثه تروریستی آن دانشگاه به دست بنیادگراها کشته شدند. محمد در ویدئویی که قبل از مرگش انتشار داده بود، به همه توصیه می‌کرد «لبخند بزنیم»؛ میان گلوله و آتش، میان بنیادگرایی و هراس، از زندگی دم می‌زد. او با حمله گروه‌های تروریستی کشته شد و به شکل لبخندی تبخیر شد. لبخند محمدها، توسط تروریسم، تحقیر، تهدید و تحدید می‌شود. بنیادگرایی نمی‌گذارد «لبخند» به بخشی از هویت انسان و به‌ویژه انسان خاورمیانه تبدیل شود. به قول آنتونی گیدنز، گروه‌ها و جنبش‌های بنیادگرا هرجا که باورها و کنش‌های سنتی رو به زوال هستند، به وجود می‌آیند. بنیادگرایی چه مذهبی باشد، چه ملی و چه قومی، همیشه با امکان خشونت همراه است؛ چون بنیادگرایی آنتی‌تز تسامح است. در نظر بنیادگرایان، تنها یک روش صحیح و درست برای زندگی‌کردن وجود دارد و افرادی که به این روش معتقد نیستند، بهتر است از سر راه برداشته شوند. کارزار نظامی ایالات متحده و متحدانش در افغانستان شاید آسیب شدیدی به القاعده وارد کرده باشد، اما بخش اعظم شبکه القاعده دست‌نخورده باقی مانده است. القاعده چه حملات بیشتری را تدارک ببیند و چه نبیند، روش شکل‌گیری‌اش تبدیل به الگویی برای دیگران خواهد شد. پیش‌بینی گیدنز دقیق بود، شکل‌گیری داعش الگوگرفته از الگوی القاعده بود (با وجود تفاوت‌هایی متعدد)؛ به تعبیری دیگر، حلقه‌ای دیگر از زنجیر تروریسم و بنیادگرایی. سطح پیچیدگی، برنامه‌ریزی و هماهنگی حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ طوری بوده است که بیشتر از یک دولت برمی‌آید تا یک گروه شورشی. حادثه تروریستی سپتامبر، منجر به برخی پیامدهای ژئوپلیتیک شده است. گویا آمریکا و روسیه پس از آن حادثه به دلیل تصور تهدید مشترک، تا قبل از بحران اوکراین به یکدیگر نزدیک‌تر شده بودند (با وجود چالش‌های کلاسیک بین آن دو). شاید ظهور تروریسم جهانی مانند پول‌شویی، قاچاق مواد مخدر و... سویه تاریک جهانی‌شدن است. بنیادگرایی در گسل جدال مدرنیته و سنت به وجود می‌آید، آنجا که باورهای سنتی رو به زوال می‌گذارند. تروریسم فریز می‌شود، کمین می‌کند و در موقع مناسب در گسل‌ها فعال می‌شود. تروریسم و بنیادگرایی بخشی از جهان امروز هستند؛ هویت‌هایی آشفته و ایدئولوژی‌محور و جست‌وجوگر هویت. فرانسیس فوکویاما، بنیادگرایی و سَلفی‌گری را از منظر هویت‌یابی (با مفاهیمی مانند تقاضای رسمیت‌یابی برابر منزلت) مورد مداقه و بررسی قرار می‌دهد. لیبرال‌دموکراسی‌های معاصر، مشکل تایموس (Thymos) را به‌طور کامل حل نکرده‌اند. تایموس بخشی از روح است که تمایل دارد منزلت آن به رسمیت شناخته شود. ایزوتیمیا (isothymia) تقاضای محترم‌بودن بر پایه برابری با سایر مردم است؛ درحالی‌که مگالوتیمیا (megalothymia) تمایلی است که می‌خواهد به عنوان منزلت برتر شناخته شود. فوکویاما از منظر ایزوتیمیا به علل ریشه بنیادگرایی می‌پردازد؛ اینکه مسلمانان و بسیاری از گروه‌های دیگر (مهاجران، کارگران، زنان، سیاه‌پوستان و...) به دلیل بی‌عدالتی‌هایی که در حق آنان شده، خواهان رسمیت‌یابی برابر منزلت هستند. سیاست‌های هویت اگر درست ابراز و هدف‌گذاری نشوند، منجر به سیاست‌های خشم خواهند شد. در بین مسلمانان (به‌ویژه اعراب) به منظور هویت‌یابی، گرایش به چتر امت (umma) و گروه‌ها و احزاب سیاسی-عقیدتی مانند عدالت و توسعه (ترکیه)، اخوان‌المسلمین، النهضه و... افزایش یافته است. بنیادگرایی، پرسش‌ها و تحلیل‌های فراوانی را برانگیخته است. البته در گروه‌های مختلفی که ترور را به عنوان وسیله پیروزی خود انتخاب می‌کنند، تفاوت‌های فراوانی وجود دارد و تحلیلگران باید عامل ظلم و مظلومیت را در معادلات تحلیلی خود پررنگ‌تر تبیین کنند. ضعف و بعضا فساد برخی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی و گسترش‌نیافتن امنیت توأم با عدالت در جهان، اتخاذ سیاست‌های غلط در ارتباط با هویت‌یابی انسان از سوی دولت‌ها و مراجع قدرت، همگی منجر به فعال‌شدن گسل‌های بنیادگرایی شده است و خواهد شد. بنیادگراها در بسیاری مواقع و موارد در تلاش برای به‌دست‌گرفتن قدرت در جهت تشکیل دولت و حکومت هستند؛ چراکه معتقدند از والاترین اعتقاد برخوردارند و می‌توانند بشر و به‌ویژه پیروان خود را به سعادت رهنمون کنند و در این راه از هیچ نوع تروری ابا ندارند. تبارشناسی بنیادگرایی و ترور در ظرف زمانی و تحلیلی این نوشته مختصر نمی‌گنجد و می‌طلبد که در محتواها و متون تحلیلی و تاریخی فراخ‌تری به آن پرداخته شود. به‌راستی بنیادگرایی و ترور در مقیاس کوچک و بزرگ، همواره امکان وقوع دارد، دور است اما نزدیک.

●●●

گفتمان دولت چهاردهم؛ نه به شرایط موجود

ادامه از صفحه اول

شعار انتخاباتی رئیس‌جمهور «برای ایران» بود و حال باید گفتمانی را انتخاب کند که نتیجه‌اش حاصلی «برای ایران» داشته باشد. درد بزرگ ایران در همه زمینه‌ها اعم از آب و خاک و انرژی و مسائل مالی ناترازی است و این ناترازی با افزایش جمعیت، هجوم مهاجران افغان و ایجاد توقعات جدید از طرف مسئولان محترم پوپولیست، با دمیدن بر شعله مصرف، روزبه‌روز بیشتر می‌شود. اگر بپرسید چه کنیم، در این راه به چند گزینه می‌توانیم برسیم. ۱- به قول آقای رئیس‌جمهور یا معاون اول اگر ۲۵۰ میلیارد دلار برای اجرای برنامه هفتم پول داشته باشیم (حال از چه منبعی، معلوم نیست. به هر حال وصف العیش، نصف العیش)، آن وقت چه می‌شود؟ بدون توجه به برنامه هفتم بخشی بزرگ به واردات و فروش ارز و طلا در داخل اختصاص می‌یابد. واردات تشویق می‌شود و کارها هم به روال گذشته ادامه پیدا می‌کند. با اعمال پخش ۲۵۰ میلیارد دلار در جامعه شاید رشد هشت درصد آماری پیدا شود که البته اگر از نظر کیفی دقت کنیم، نگاه به عقب است. در این حال تکلیف پدیده‌های نابودکننده ایران مثل نشست زمین، بی‌آبی، آلودگی، خشک‌شدن چاه‌ها و فرسودگی زیربناهای اقتصاد چه خواهد شد؟ البته پاسخ سکوت خواهد بود و واضح است که در اصل، پیداکردن ۲۵۰ میلیارد دلار تصوری ناممکن است. ۲- به هر حال از هر منبعی این ۲۵۰ میلیارد دلار پیدا شود و به فرض صرف اجرای برنامه هفتم شود. چون مصرف برنامه توسعه‌ای شده است، آثار تورم یا بیماری هلندی آن در جامعه پیدا می‌شود و رشد هشت درصد هم اتفاق نمی‌افتد. طبعا معیشت مردم هم به دلیل تورم و مسائل دیگر ضعیف خواهد شد و محرومیت‌ها افزایش پیدا می‌کند و البته باز هم داشتن ۲۵۰ میلیارد دلار امری خیالی خواهد بود. ۳- راه واقع‌بینانه، درک واقعیات جامعه، اتکا به توانایی‌های کشور، قبول اثرات تحریم‌ها و نپذیرفتن اف‌ای‌تی‌اف، تلاش برای کسب ارز بیشتر و محافظت از هدررفت آن با مدیریت دقیق، بررسی اثرات مثبت مالی پیمان‌های شانگهای و بریکس، اعتقاد بر پیداکردن راه‌حل ناترازی‌ها و دورکردن خواب و خیال برای پیداکردن ۲۵۰ میلیارد دلار از «من حیث لا یحتسب» است و به قول معروف کلاه خود را قاضی کنیم و بدانیم که مردم می‌دانند فضای جنگ و تحریم، شرایط زیستی و اقتصادی کشور را تنگ کرده و وعده‌های ارتقای معیشتی و زندگی مردم بی‌اساس است، بنابراین هرچه زودتر این را دریابیم و دولت گفتمان صرفه‌جویی و مبارزه با اسراف و رانت‌خواری‌ها و زیاده‌خواهی‌ها را انتخاب کند، زیرا یقین بدانیم که می‌توان از محل اسراف‌نکردن و صرفه‌جویی، ده‌ها میلیارد دلار کسب کرد و نیز هم‌زمان تصمیم بگیرد تا به تولید و صادرات و نجات سرزمین و کشاورزی اهمیت بدهد و شرایط را برای کارآفرینان با ایجاد تسهیلات لازم و قطع‌نشدن گاز و برق کارخانجات و دیگر تمهیدات لازم فراهم آورد. امروز به این شجاعت و واقع‌بینی نیاز داریم و در کنار آن می‌توانیم قانون برنامه هفتم را به صورت گزینشی و ترجیحی به انجام برسانیم؛ و الا ریل فعلی سرنشینان، واگن‌های روی آن را به فنا خواهد برد.

چالش‌های «مارک روته» دبیرکل جدید ناتو

ترامپ و روسیه

دبیر کل جدید ناتو که رسما از سه‌شنبه کارش را آغاز کرد، چالش‌هایی به‌ویژه در بحبوحه جنگ اوکراین و عدم ثبات سیاسی در واشنگتن پیش‌رو دارد و اعضا انتظار دارند این رهبر سابق هلند از مهارت‌هایش برای حفظ این ائتلاف نظامی غربی بهره ببرد. «مارک روته» نخست‌وزیر سابق هلند مسئولیت دبیر کلی ناتو را از «ینس استولتنبرگ» تحویل گرفت. طی ۱۰ سال اخیر، این اولین باری است که دبیر کل ناتو تغییر می‌کند. استولتنبرگ از اکتبر ۲۰۱۴ تاکنون دبیر کل ناتو بوده و اکنون این مقام به روته رسید.

رویترز در گزارشی با توجه به تغییر دبیر کل جدید ناتو نوشت: «در حال حاضر بسیاری از موارد به این بستگی دارد که روته بتواند در یک ائتلاف ۳۲ عضوی اجماعی ایجاد کند. توانایی ناتو برای محافظت از نزدیک به یک میلیارد نفر تحت حمایت خود نه تنها به قدرت نظامی بلکه به وحدت سیاسی نیز بستگی دارد».

چالش‌های فراوانی بر سر راه «مارک روته» وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به بازگشت احتمالی «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور سابق آمریکا به کاخ سفید که نسبت به ائتلاف ناتو بدبین است، درخواست متحدان اروپای شرقی جهت محافظت بیشتر در برابر روسیه و درخواست‌ها از سوی اوکراین به عنوان کشور غیرعضو برای کمک‌های نظامی بیشتر اشاره کرد.

مقامات و دیپلمات‌های ناتو از روته انتظار دارند اولویت‌های استولتنبرگ را درخصوص «حمایت از کی‌یف، درخواست از کشورهای عضو برای مخارج نظامی بیشتر و همچنین مشارکت آمریکا در امنیت اروپا» حفظ کند.

رویترز در این گزارش تأکید کرد: «مارک روته» ۵۷ساله که ۱۴ سال نخست‌وزیر هلند بود و طولانی‌ترین دوره زمامداری را رقم زد، در صحنه‌های بین‌المللی تجربه زیادی دارد و با اینکه سیاست‌مداری شخصا آرام و خون‌گرم بوده اما گاه از منتقدان سرسخت دولت‌های دیگر به‌شمار رفته است. برای مثال از مجارستان خواسته اتحادیه اروپا را ترک کند یا اینکه پیش‌تر حاکمیت قانون را در رومانی و بلغارستان زیر سؤال برد. اکنون او به مهارت‌هایی نیاز دارد تا بتواند اعضای ناتو را کنار یکدیگر به خوبی حفظ کند.

«کایسا اولونگرن» وزیر دفاع سابق هلند تحت دولت روته به رویترز گفت: «فکر می‌کنم این واقعیت که او در یافتن راه‌هایی برای پیشرفت، سازش، متقاعدکردن و برقراری ارتباط با مردم بسیار باتجربه است، بسیار بسیار مفید خواهد بود. او هرگز به تعویق کارها فکر نمی‌کند و فردی باتجربه است».

«مارک روته» در مقام جدید خود تحت فشار اعضای ناتو در اروپای شرقی قرار خواهد گرفت تا ثابت کند که خواسته آنها برای حمایت بیشتر در مقابل روسیه را درک می‌کند و می‌تواند برای آنها کاری انجام دهد.

«پیتر باتور» که تا اوایل سال جاری میلادی به عنوان سفیر اسلواکی در ناتو خدمت می‌کرد، گفت: «یک آزمون برای او این خواهد بود که امیال ناتو در قبال جناح شرقی و به‌ویژه تقویت این جناح چیست؟».

از زمان آغاز جنگ اوکراین، ناتو تعداد نیروهای مستقر در کشورهای شرقی خود را به حدود ۱۰ هزار نفر رسانده است. همچنین می‌گوید صدها هزار نیروی دیگر می‌توانند سریع مستقر شوند. با این حال، کشورهای جناح شرقی خواستار نیروها و تسلیحات بیشتر هستند.

بسیاری از مقامات ناتو استدلال می‌کنند که هزینه‌های نظامی باید بیشتر شود - شاید تا ۲.۵ درصد تولید ناخالص داخلی یا حتی بیشتر از آن - تا به این ترتیب سربازان و تسلیحات اضافی برای انجام اصلاحات گسترده در برنامه‌های نظامی این ائتلاف انجام شوند. باتور در پایان افزود، این یک چالش برای مارک روته است تا اعضای ناتو را متقاعد کند سریعا سرمایه‌گذاری بیشتری روی امور نظامی انجام دهند.

در همین حال، کارشناسان دفاعی گفته‌اند «مارک روته» برای مقابله با چالش‌های پیش‌روی ناتو در موقعیت خوبی قرار دارد.

مارک روته که از سیاست‌مداران کهنه‌کار اتحادیه اروپاست، روابطی تثبیت‌شده با دونالد ترامپ، نامزد جمهوری‌خواهان در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا دارد و این موضوع می‌تواند در صورت پیروزی آقای ترامپ، به او در مقابله با چالش‌های جدید و پیش‌بینی‌نشده ناتو کمک کند.

به گفته کارشناسان دفاعی، این سیاست‌مدار ۵۷ساله که از باسابقه‌ترین رهبران دموکرات اروپا به شمار می‌رود، در دوره مسئولیت خود چالش‌هایی همچون مواجهه با روسیه‌ای جنگ‌طلب و متخاصم، روابط متشنج با اتحادیه اروپا و تهدید بالقوه احتمالی از سوی کاخ سفید در صورت ریاست دونالد ترامپ را پیش‌رو خواهد داشت.

مارک روته، فارغ‌التحصیل رشته تاریخ که از سال ۲۰۱۰ ریاست چهار دولت مختلف در هلند را بر عهده داشت، سرانجام ماه جولای گذشته در پی اختلاف‌نظرهای شدید میان احزاب شریک در دولت ائتلافی حاکم بر سر نحوه مهار مهاجرت، از سمت خود استعفا داد. سوابق دیپلماتیک و تجارب گذشته وی در عرصه سیاست می‌تواند او را به شکلی منحصربه‌فرد برای مقابله با چالش‌های پیش‌روی ناتو در جایگاه خوبی قرار دهد.

انتخابات آمریکا

روته تنها یک ماه پیش از آنکه شهروندان ایالات متحده در انتخاباتی سرنوشت‌ساز از میان دونالد ترامپ و کامالا هریس یک نفر را برای ریاست بزرگ‌ترین عضو ناتو برگزینند، سکان هدایت این ائتلاف بزرگ نظامی را بر عهده گرفته است. این موضوع از هم‌اکنون زنگ خطر را از دید بسیاری از اعضای اروپایی ناتو به صدا درآورده است؛ زیرا دونالد ترامپ آن‌طورکه انتظار می‌رود حمایت چندان گرمی از اوکراین و به‌طور کلی از پیمان امنیتی فراآتلانتیک نشان نداده است. سوفیا بیش، تحلیلگر مسائل بین‌الملل، به یورونیوز گفت: درباره اینکه دولت دوم دونالد ترامپ چه معنایی برای پیمان ناتو خواهد داشت، هنوز ابهامات زیادی وجود دارد.

این محقق مؤسسه کارنگی برای صلح بین‌المللی معتقد است اگر واشنگتن خواهان یک «ناتوی بسیار کوچک‌تر» شود، آنگاه این مسئله می‌تواند بقای ناتو را تهدید کند. بااین‌حال، سوفیا بیش باور دارد با وجود چنین تهدیدی، همچنان روش‌هایی برای کاهش این خطر وجود دارد. او به مناظره‌های کارزار انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا که دونالد ترامپ در جریان آن اعتباری را از جهت متقاعدکردن سایر اعضای ناتو برای افزایش بودجه نظامی متوجه خود کرد، اشاره می‌کند و می‌گوید که اروپایی‌ها می‌توانند نگرانی و بیم او را کاهش دهند. سوفیا بیش سپس می‌افزاید: «رویکرد احتمالا چنین خواهد بود... شرایط را به‌گونه‌ای پیش ببرید تا تلاش‌های دفاعی اروپا پاسخی به فشار ایالات متحده باشد».

اگر جلب رضایت ترامپ یکی از الزامات این نقش (دبیر کلی ناتو) باشد، پس این موضوع به نفع روته است. اوانا لونجسکو، سخنگوی سابق ناتو، به یورونیوز می‌گوید: «او توانست زمانی که نخست‌وزیر هلند بود، رابطه کاری خوبی با ترامپ برقرار کند». خانم لونجسکو که اکنون یکی از اعضای برجسته اندیشکده مؤسسه مطالعات دفاعی و امنیتی Royal United Services است، می‌افزاید: رویکرد دوستانه اما قاطعانه مارک روته با ترامپ می‌تواند در صورت پیروزی جمهوری‌خواهان در ماه نوامبر، برای «او و ناتو مفید باشد».

اتحادیه اروپا

هر دو کارشناس معتقدند ریاست کاخ سفید به هرکدام از دو نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا برسد، اروپا باید با توجه به تجاوز روسیه، هزینه‌های دفاعی خود را افزایش دهد. سخنگوی سابق ناتو با اشاره کمک‌های نظامی هلند به اوکراین، شامل جت‌های جنگنده، مهمات و ضمانت‌های امنیتی که در دوره نخست‌وزیری مارک روته ارائه شد، گفت وی خود از «حامیان بسیار قوی» کی‌یف بوده است. بااین‌حال، شاید دشوارترین و پیچیده‌ترین رابطه ناتو را مارک روته باید نه با واشنگتن یا کی‌یف، بلکه با سازمان بین‌المللی دیگری مستقر در بروکسل به نام اتحادیه اروپا مدیریت کند. اعلام اخیر اورزولا فن در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، مبنی بر انتصاب یک کمیسر دفاعی به نام آندریوس کوبیلیوس از لیتوانی، واکنش شدید ینس استولتنبرگ را برانگیخت. او نگران بود که خانم فن در لاین در حال ورود به حوزه مسئولیت‌های او باشد. استولتنبرگ به خبرنگاران گفت: «آنچه اتحادیه اروپا نباید انجام دهد، این است که دست به ایجاد ساختارهای دفاعی جایگزین بزند». چالش روته بازسازی رابطه با اتحادیه اروپا خواهد بود که به گفته سوفیا بیش، «اگرچه شرایط خیلی بدتر نخواهد بود، اما در کل مارک روته کار سختی پیش‌رو دارد». وی می‌افزاید: این تصور که انتصاب کمیسر دفاعی اتحادیه اروپا به نوعی توهین به ناتو تلقی می‌شود، نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا نتوانسته دلایل کافی برای توجیه این تصمیم ارائه دهد.

اوانا لونجسکو، سخنگوی سابق ناتو که تقریبا یک دهه با استولتنبرگ کار کرده است، خوش‌بین‌تر به نظر می‌رسد. او اگرچه معتقد است تکرار ساختارهای مشابه ناتو در اتحادیه اروپا موجب سردرگمی خواهد شد، اما می‌گوید: همکاری استولتنبرگ و فن در لاین به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده بود و آنها به «همخوانی بسیار خوبی» در مسائل دست یافته بودند. تهدیدهای جدید چین که هر دو کارشناس دفاعی از آن یاد کرده‌اند، به اضافه روسیه متخاصم و جنگ‌طلب، در مجموع همچنان بزرگ‌ترین چالش‌های پیش‌روی ناتو در دوره مسئولیت مارک روته را تشکیل خواهند داد.

گزارش

تشدید حملات اسرائیل به مواضع حزب‌الله

ارتش اسرائیل اعلام کرد نیروی هوایی اسرائیل روز گذشته حملاتی را به مواضع حزب‌الله لبنان ازجمله انبار تسلیحات، قرارگاه‌های دیده‌بانی و زیرساخت‌های این گروه در چند نقطه مختلف انجام داده است. ارتش اسرائیل روز گذشته اعلام کرد نیروهای پیاده‌نظام و واحدهای زرهی این ارتش به عملیات زمینی در لبنان می‌پیوندند تا فشار بر حزب‌الله افزایش یابد. اسرائیل که از حدود یک سال قبل و در پی حمله هفتم اکتبر حماس به اسرائیل، در غزه با حماس می‌جنگد، برای مقابله با گروه حزب‌الله حضورش را در جنوب لبنان نیز افزایش داده است. به گزارش رویترز، درگیری‌ها در مرز اسرائیل و لبنان روز گذشته ادامه یافت. افزایش نیروهای پیاده و زرهی اسرائیل از لشکر ۳۶، تیپ زرهی ۱۸۸ و تیپ ۶ پیاده‌نظام نشان می‌دهد عملیات مدنظر بنیامین نتانیاهو ممکن است فراتر از حملات محدود باشد. در همین حال اسرائیل تأیید کرد که حداقل هشت سربازش در درگیری با حزب‌الله لبنان کشته شده‌اند. ارتش اسرائیل اعلام کرده که عملیات زمینی عمدتا با هدف تخریب تونل‌ها و سایر زیرساخت‌های مرزی حزب‌الله انجام می‌شود و برای عملیات گسترده‌تر که بیروت یا دیگر شهرهای بزرگ در جنوب لبنان را هدف قرار دهد، هیچ برنامه‌ای ندارد. بااین‌حال، اسرائیل روز گذشته بار دیگر برای ده‌ها شهر در امتداد مرز جنوبی لبنان دستور تخلیه جدیدی صادر کرد. در سوی دیگر، حزب‌الله هم اعلام کرد پس از عقب‌راندن نیروهای اسرائیل، با نیروهای این کشور در شهر مرزی مارون‌الرأس درگیر شده است. در بیانیه این گروه آمده که اعضای حزب‌الله با «یک گروه نفوذ دشمن اسرائیلی که تلاش می‌کرد وارد روستای عدیسه لبنان شود» درگیر شده و نیروهای اسرائیلی را در سه منطقه مرزی با راکت هدف قرار داده‌اند. به گفته این گروه، نیروهایش خسارت شدیدی به سربازان اسرائیلی وارد کرده‌اند.

اسرائیل بامداد روز گذشته در بیش از ده‌ها حمله هوایی حومه جنوبی بیروت، پایگاه گروه حزب‌الله را بار دیگر بمباران کرد. ارتش اسرائیل مدعی شد که در این حمله، اهداف متعلق به حزب‌الله را هدف گرفته است. با وجود درخواست‌های سازمان ملل، ایالات متحده و اتحادیه اروپا برای آتش‌بس، جنگ بین اسرائیل و حزب‌الله مستقر در لبنان ادامه دارد.

طبق آمار دولت لبنان، در طول تقریبا یک سال درگیری‌های مرزی، نزدیک به هزارو ۹۰۰ نفر در لبنان کشته و بیش از ۹ هزار نفر زخمی شده‌اند که بیشترین میزان این تلفات در دو هفته گذشته رخ داده است. بیش از یک میلیون لبنانی نیز در پی حملات اسرائیل یا هشدار برای تخلیه، مجبور به ترک خانه‌هایشان شده‌اند.

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت ششدانگ یکباب آپارتمان به مساحت ۱۰۳.۱۵ مترمربع بشماره پلاک ۱۴ فرعی از ۱۳۵۱- اصلی مفروز و مجزی شده ازاصلی مذکور واقع در آستارا بخش ۳۱ گیلان بشماره چاپی (۲۲۴۷۸۸ پ ۹۰) ذیل ثبت و صفحه ۱۶۲۵۲-۲۲ دفتر ۱۲۴ اداری بنام خانم سودابه طلائی بنه حور صادر و تسلیم گردیده است جهت پلاک مذکور یک فقره رهنی بشماره ۶۹۱۷۱ و شماره سیستمی ۱۴۰۱۰۵۲۱۸۰۱۰۰۰۰۲۵۳ - ۱۴۰۱.۳.۲۳ دفتر ۱۰۱ آستارا بنفع بانک صادرات ایران با مبلغ ۹،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال به مدت ۳ ماه ثبت شده است. سپس نامبرده بشرح درخواست وارده بشماره ۱۲۱.۱۴۰۳۵۵۱۴ - ۱۴۰۳.۷.۲۷ و به پیوست فرم شهادت شهود اعلام نموده که سند مالکیت ششدانگ پلاک فوق در هنگام جابجائی مفقود گردیده است و درخواست صدور سند مالکیت المثنی را نموده ، لذا مراتب براساس ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت یک نوبت در روزنامه منتشر چنانچه هرکس اعم حقیقی وحقوقی مدعی حقی ویا وقوع معامله بنفع خویش ویا وجود سند مالکیت نزد خود میباشد ازتاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز می تواند اعتراض خود را کتبا با ارائه اصل سند مالکیت ویا اصل سند معامله به این اداره اعلام ورسید دریافت نماید درغیر اینصورت برابر مقررات جاری ثبت واقدام خواهد شد

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک بهنام عبادی ۵۷۷۳

دانشنامه تحصیلی به نام **لیلا میرزایی** فرزند فرض الله به شماره شناسنامه ۸۴۹۸ و شماره ملی ۰۰۶۸۰۴۳۳۹۲ صادره از تهران ، در مقطع کاردانی هوشبری صادر شده از دانشگاه علوم پزشکی ایران به شماره ۹۳۶۹ به تاریخ ۸۲/۱۱/۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب سعید بیات** فرزند قربانعلی به شماره شناسنامه ۴۸۸۰۲۳۷۱۱۶ صادره از مینودشت در مقطع کارشناسی با شماره سریال ۵۴۶۱/آ م /۳۰پ/ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار میباشد. از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه علوم پزشکی بابل به ادرس استان مازندران شهرستان بابل دانشگاه علوم پزشکی بابل ارسال نماید

مدرک تحصیلی **اینجانب یاسر میرزایی** فرزند محمود به شماره ملی ۵۰۴۹۶۵۱۶۴۶ متولد ۱۳۶۰/۵/۲۵ در مقطع کارشناسی ارشد رشته نقاشی صادره از دانشگاه سوره تهران با شماره ۰۳۰/۶۹۲۰ به تاریخ ۸۸/۱۱/۱۴ مفقود شده و فاقد اعتبار قانونی است. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به نشانی تهران خیابان آزادی بین خوش و آذربایجان نبش کامیاران پلاک ۲۵۲ ارسال نمائید.